

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در موضوع مهدویت فرازهایی قابل اندیشه و پژوهش است، اولی تعیین وقت ظهور می‌باشد که با نشانه‌هایی که در برخی آثار آمده به عنوان یک آسیب در موضوع مهدویت مطرح است. اهل بیت (ع) در رابطه با موضوع مهدویت آسیب شناسی نموده و به این موضوع به صورت متعدد پرداخته و همواره هشدار داده‌اند که تعیین وقت در مورد ظهور حضرت مهدی (عج) امری کذب است و کسی نباید برای ظهور وقت تعیین کند. جمله "كَذَبَ الْوَقَاتُونَ" در بسیاری از آثار روایی به چشم می‌خورد که از زبان عترت رسول خدا (ص) صادر شده است.

نکته دوم این است که موضوع مهدویت توأم با خرافات فراوانی می‌باشد و علت آن ممکن است مسئله بسیار حساس اجتماعی بودن حضرت مهدی (عج) برای دشمنان عترت و همچنین تلاش بسیار از سوی دشمن برای گنجاندن خرافات به اساس مفاهیم آن و حتی رخنه در منابع اصلی و متقن دینی است. یکی از آسیب شناسی‌های موضوع مهدویت زدودن خرافات از اندیشه و عقیده پیروان مهدویت است.

آیا ذکر نام امام زمان اشکال دارد؟

نکته سوم بردن نام حضرت مهدی موعود است. آیا بردن نام حضرت در زمان غیبت اشکال دارد؟ مطلوب و یا مکروه است؟ به دو نظریه در این رابطه اشاره می‌کنیم:

اول) نظریه «مرحوم علامه مجلسی» است که ایشان بر این باورند که همچنان در زمان غیبت هم باید از بردن نام حضرت یعنی "محمد بن الحسن المهدی" اجتناب کرد. شاید این نظریه به لحاظ مُحَدَّث بودن ایشان باشد.

دوم) در مقابل نظریه «مرحوم طبرسی» است که ایشان بر این باور صحیح است که بردن نام حضرت در زمان غیبت هیچ مانعی ندارد و بلکه مطلوب است. علت آن این است که ممنوع بودن بردن نام حضرت، مربوط به دوران کودکی ایشان بود که در این دوران خطراتی از سوی دشمنان برایشان وجود داشت و امنیت جان حضرت را تهدید می‌کرد؛ به همین جهت در احادیث به این نکته پرداخته شده است که نام و نشان حضرت را پنهان دارید تا ایشان از دسترس دشمن در امان باشد. اما از هنگامی که غیبت صغری و به دنبال آن غیبت کبری شروع شد، دیگر چنین تهدیدی وجود ندارد و اینگونه روایات را نمی‌توان تعبدی فرض کنیم.

بحث‌های اعتقادی باید استدلالی و اندیشه‌ای باشد. به نظر می‌رسد دیدگاه مرحوم طبرسی در این زمینه شفاف‌تر و مستندتر باشد. بردن نام امام زمان (عج) (که هم‌نام حضرت رسول (ص) "محمد" است و کنیه ایشان، کنیه پیامبر، "ابوالقاسم" است، مطلوب می‌باشد. در دعای سلامتی امام زمان «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ...» نیز مطلوب است که با نام حضرت یعنی "محمد بن حسن المهدی" آغاز کنیم.

آیا در عصر ظهور کشتار جمعی رخ می دهد؟

بحث دیگر در مورد "وضعیت جنگها در زمان ظهور" است که از محورهای مهم بحث مهدویت به شمار می رود. در این راستا اخبار فراوان و متضادی در منابع متقن و معتبر دینی ما چه شیعه و چه اهل سنت به چشم می خورد. به دو نظریه در اینجا اشاره می کنم:

نظریه اول) که بسیاری از نویسندگان شیعه و دیگران به آن می پردازند و حتی می شود گفت که در این مورد زیاده روی می کنند این است که در ظهور حضرت مهدی(عج) کشتار جمعی اتفاق می افتد به گونه ای که حضرت جمعیت انبوهی را از تیغ شمشیر می گذراند تا بتواند به اهداف متعالی خود برسد و یک نظام جهانی مستقر کند. باصطلاح "در انقلاب امام مهدی(عج) خون تا رکاب حضرت می رسد."

نظریه دوم) در مقابل آن قرار دارد و معتقد است که در هنگام ظهور کشتار جمعی رخ نداده و حتی یک نفر هم کشته نمی شود. باصطلاح "در انقلاب امام مهدی(عج) به اندازه خونریزی که از حجامت اتفاق می افتد نیز خون نمی ریزد."

نظریه دوم از سوی اینجانب در "کنگره حضرت مهدی(عج) در عراق" ارائه شد و بیشترین سؤال هم در دانشگاه کوفه مربوط به این مقاله بود. این مقاله سپس فرآیندی را طی کرد تا تبدیل به کتاب "امام مهدی(عج) امید زندگی" شد.

لذا در این سخنرانی و در تبیین نظریه مذکور، در محور اول مباحث مربوط به زمینه ظهور را تبیین می کنم؛ و در محور دوم مطالب مربوط به فرآیند قیام و ظهور حضرت مهدی(عج) را ذکر می کنم.

زمینه ظهور امام(عج)

در مورد زمینه ظهور باید به اساس و مبانی های متقن و خلل ناپذیر دین توجه داشت: اول اینکه نه تنها دین اسلام بلکه ادیان الهی، دین رحمت هستند نه دین خشونت. دو گروه، ادیان الهی را خشن معرفی می کنند: گروه اول دشمنان دین هستند که می توان گفت آنها فرصت طلبی می کنند. گروه دوم از بین خود مسلمانان می باشند که در اثر ناآگاهی، دین را خشن و دین شمشیر معرفی می کنند؛ در حالیکه این دیدگاه برخلاف موازین دینی است.

ادیان الهی به خصوص دین اسلام، دین رحمت و شفقت از ابتدا تا به انتهاست. در قرآن مجید خداوند پیامبر را "رحمة للعالمین" معرفی می کند. دین برای جامعه شمشیر نیاورده، بلکه پیامبر آن پیامبر رحمت، برهان و

اندیشه است. با شمشیر نمی‌توان اعتقاد ایجاد کرد بلکه عقیده با برهان پدید می‌آید. دین حتی با کفار و معاند سرستیز ندارد، ستیز دین با کفار و به خصوص مشرکین در حدی است که مانع را از سر راه بردارد؛ و وقتی این مهم انجام شد شمشیر اعاده می‌شود. این آیه نحوه برخورد با مشرکین را بیان می‌کند: «فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخَذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ» که شدیدترین برخورد قرآن با مشرکین و سردمداران کفر است. ولی این برخورد تا زمانی است که دشمن برای اسلام، مانع و چالش ایجاد کند، ادامه دارد. در ادامه آیه می‌فرماید «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ» مشرکین اگر توبه کردند و نماز را برپا داشتند و زکات دادند، راهشان را بازگذارید. و این اتفاق در زمان رسول الله(ص) در فتح مکه بسیار شفاف و روشن اتفاق افتاد. در فتح مکه ابوسفیان الدَّالِخِصَام، سردمدار شرک و کفر تسلیم شد و پیامبر(ص) نیز کاری به او نداشت؛ با اینکه ابوسفیان بیشترین جنگ را علیه پیامبر(ص) به راه انداخته بود. اصولاً عقیده با برهان پدید می‌آید نه با شمشیر، همانطور که در قرآن آمده است: «لَا كِرَاهَ فِي الدِّينِ» که فقط مربوط به دین اسلام نیست بلکه به طور کلی می‌گوید که فرهنگ و عقیده اجباری نیست. اگر پیامبر ما، پیامبر رحمت است، مهدی موعود(عج) نیز امام رحمت است. مهدی(عج) امام و مجری همان دینی است که پیامبر(ص) بر جامعه جاری کرده است و سیره ایشان نیز سیره پیامبر(ص) خواهد بود.

در اینجا چند روایت در مورد سیره و سنت امام زمان(عج) (بیان می‌کنیم. در کتاب کمال الدین شیخ صدوق از رسول خدا(ص) نقل شده است که «الْقَائِمُ مِنْ وَوَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيْعَتِي» (کمال الدین و تمام النعمة للصدوق: ۳۷۸) مهدی مجری ملت و شریعت رسول الله(ص) است. برای هیچ امامی چه معصوم و غیر معصوم به طور کامل فرصت اجرای دین رسول الله پدید نمی‌آید جز در زمان حضرت مهدی(عج). محمد بن مسلم می‌گوید: درباره سیره و روش قیام حضرت قائم(عج) از امام باقر(ع) پرسیدم، آن حضرت فرمود: «بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ حَتَّى يُظْهَرَ الْإِسْلَامَ». سیره مهدی(عج)، سیره رسول الله(ص) است تا اینکه بتواند اسلام را در جامعه مستقر سازد. (الغیبة نعمانی، ص ۳۲۷)

زمینه ظهور مهدی، اعتلای فرهنگی است تا جامعه بارور شود. و تا اندیشه جامعه تکامل پیدا نکند که پذیرای یک نظام عدل الهی در گستره کره زمین باشد، ظهور مهدی(عج) تحقق پیدا نمی‌کند. همان عواملی که باعث غیبت مهدی(عج) در زمان عباسیان شده است همچنان به قوت خود باقیست. باید فرهنگ سازی و اعتلای فرهنگی انجام و مستقر شود، پس از آن است که ظهور تحقق پیدا می‌کند. فکر نمی‌کنم این مطلب نیاز به برهان داشته باشد زیرا عواملی که باعث غیبت یک رهبر می‌شود، همان عوامل باعث تداوم غیبت خواهد شد و ظهور در این شرایط بی معنا و بی نتیجه است. بر اساس این نکته که مستند در آثار روایی است در برابر مهدی(عج) چه کسانی چالشگر و مخالف هستند؟ چالشگری برای ملت‌هاست یا برای دولت‌های استکباری؟ قهراً جواب این سؤال، گزینه دوم است؛ زیرا ملت‌ها با مهدی(عج) مشکلی ندارند، آرمان ملت‌ها، آرمان مهدی(عج) است. ملت‌ها اعتقاد، آرامش، امنیت و آسایش می‌خواهند که تمام این اهداف در آرمان‌های مهدی(عج) تحقق دارد. مردم با

مهدی(عج) مشکلی ندارند که بخواهند چالشگری کنند و دچار کشتار جمعی شوند. مردم بر اثر اعتلای فرهنگی و اندیشه، پذیرای حکومت مهدی(عج) خواهند بود. کسانی که با مهدی(عج) چالشگری خواهند نمود، دولت‌های استکباری هستند زیرا منافع آن‌ها در خطر است و به این علت به ستیز با مهدی خواهند آمد.

نظریه اول که مبتنی بر خشونت و کشتار جمعی است، پیامدها و بازتاب‌های فراوانی داشته و دارد و اگر بخواهیم مثال بزنیم داعش، امروز نمونه‌ای از همان نظریه است. داعش یک پدیده جدیدی نیست بلکه این فکر و جریان اجتماعی از آغازین روز استقرار دین اسلام مطرح بوده، فقط فراز و نشیب داشته است که داعش یک فراز گسترده آن است. این پیامد همان نظریه‌ای است که دین را دین خون، شمشیر و خشونت معرفی می‌کند. تصور نکنید که این نظریه فقط در فقه اهل سنت مطرح است بلکه در فرق دیگر نیز مطرح است. پیامد بزرگ و خطرناکی که این نظریه دارد، پیدایش این نوع جریان‌های خشن اجتماعی است.

ساختار و فرآیند ظهور مهدی(عج)

محور دوم بحث این است که ساختار و فرآیند ظهور مهدی(عج) چگونه خواهد بود که خونریزی و کشتار جمعی رخ نمی‌دهد؟ در حالیکه سلاح و قدرت در اختیار قدرت‌های استکباری و چالشگر بر علیه مهدی(عج) است؟

در روایات به یک نکته بسیار مهم و قابل توجه اشاره شده است که «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرَّغْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ» مهدی(عج) ما با رعب و وحشتی که در دل دشمنانش افکنده می‌شود، یاری می‌شود و با نصرت الهی مؤید است، زمین چون تکه کاغذی که در دست می‌پیچد، در اختیارش قرار می‌گیرد.

سردمداران کفار در اثر رعب و وحشتی که از توانمندی مهدی(عج) مشاهده می‌کنند، هیچگونه چالشگری بر علیه مهدی(عج) انجام نمی‌دهند. کسی بر علیه مهدی(عج) و آرمان‌های او سلاحی نمی‌تواند به دست بگیرد.

این مسأله عجیب نیست و مثال بسیار روشن در این زمینه، سیره رسول الله(ص) در فتح مکه است. در فتح مکه، «ابوسفیان» از قدرتمندان عرب بود که در اکثر جنگ‌های خونین نظیر بدر، احد، احزاب و سایر جنگ‌ها علیه پیامبر(ص) دست داشت و در آن زمان هیچ قدرتی قوی‌تر از ابوسفیان در مکه علیه پیامبر(ص) نبود؛ اما وی نتوانست کاری در برابر پیامبر(ص) انجام دهد. پیامبر(ص) با مانوری که با ۱۰۰۰۰ هزار نیرو انجام داد و ابوسفیان نیز آن را مشاهده می‌کرد، کاری کرد که ابوسفیان همان شب اعتراف کرد، کسی حریف پیامبر(ص) نیست. ابوسفیان مرعوب قدرت و مانور رسول خدا شد و پیامبر هم با ایشان کاری نداشت و مکه، یعنی کانون قدرت نظامی، توطئه و سلاح برتر علیه پیامبر، بدون آنکه حتی یک نفر کشته شود به دست ایشان فتح شد. پیامبر(ص) ابوسفیان و دار و دسته وی را بخشید اما دستور اعدام دوازده نفر را نیز صادر کرد. در ظهور حضرت مهدی(عج) نیز چنین اتفاقی می‌افتد یعنی دشمنان تا دندان مسلح و مستکبر مرعوب حضرت می‌شوند و تاب

ستیزه جویی نخواهند داشت. روایات و آثار ما نیز همین ادعا را تأیید می‌کند که ما در اینجا به برخی از آنان اشاره می‌کنیم.

عَنْ بَشِيرِ النَّبَالِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ «إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَوْ قَامَ لَأَسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْوًا وَ لَا يُهْرِيْقُ مِحْجَمَةً دَمًا» بشیر نبال روایت می‌کند که به امام باقر (ع) عرض کردم که مردم می‌گویند به راستی وقتی که مهدی (عج) قیام کند کارها برای او به خودی خود حل شود و به اندازه شاخ حجامتی خونریزی نشود. (الغیبه للنعمانی، ۳۹۹)

حدیث ذیل از طریق منابع اهل سنت است و همانطور که می‌دانید منابع اهل سنت در بحث مهدویت بیش از منابع شیعه است: «بیایع المهدی بین الرکن و المقام لا یوقظ نائمًا و لا یهْرِیقُ دَمًا» محل قیام و ظهور مهدی (عج) مکه است؛ نه در سرداب سامرا. دشمنان به شیعه این تهمت را می‌زنند که شیعیان شب‌های جمعه به بالای سرداب می‌روند و منتظر ظهور مهدی‌شان هستند. این حدیث می‌گوید: زمان ظهور حضرت مهدی (عج) کسی که خواب است، ناگهانی بیدار نمی‌شود. یعنی تا این حد به کسی ضرری نمی‌رسد و خونی از کسی ریخته نمی‌شود. این آثار را به عنوان مؤید فرایند طرح شده در رابطه با ظهور مهدی مطرح شده است.

ما در این رابطه با یکسری اخبار مواجه هستیم که به آن‌ها روایت نمی‌توان گفت. این آثار مجعولات هستند که باید در پیرایش و پالایش کردن اینگونه آثار جرأت داشت؛ حتی اگر در منابع متقن ما باشند. یکی از زیرکی‌ها و توطئه‌های دشمن این است که مجعولات را در بین منابع معتبر می‌گنجانند. اگر مجعولات کتاب خاصی داشته باشد یا در کتاب‌های بی پایه و اساس مطرح شود کسی به آن‌ها توجه نخواهد کرد. حدیث مجعول ممکن است در جوامع روایی متقن ما باشد و ما در اینجا به نمونه‌هایی از آن‌ها که نیاز به پالایش دارند اشاره می‌کنیم:

در زمان امام باقر (ع) سؤالات بسیاری در زمینه مهدویت وجود داشت. زراره بن اعین می‌گوید: «قُلْتُ أَسِيرُ بِسِيرَةِ مُحَمَّدٍ ص قَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ يَا زُرَّارَةَ مَا يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ قُلْتُ جَعِلْتُ فِدَاكَ لِمَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِالْمَنْ كَانَ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَ الْقَائِمُ يَسِيرُ بِالْقَتْلِ بِذَاكَ أَمِيرٌ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ أَنْ يَسِيرَ بِالْقَتْلِ وَ لَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا وَيَلِّ لِمَنْ نَاوَاهُ». زراره بن اعین از امام باقر (ع) در مورد مهدویت سؤال کرد که آیا سیره مهدی مثل سیره رسول الله است؟ حضرت فرمود: هیهات یا زراره، نمی‌شود و محال است که مهدی به سیره رسول الله باشد. رسول الله با نرمش، شفقت و رحمت، مردم را به هم پیوند می‌داد و ائتلاف قلوب پدید می‌آورد، در حالی که کار مهدی قتل است و توبه کسی را نمی‌پذیرد. وای بر کسی که مهدی را ملاقات کند! (الغیبه للنعمانی، ۳۲۷) از مهدی، هیتلر و بدتر از آن ساخته اند.

یا در روایتی دیگر آمده است: «إِذَا خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٍ وَ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا الْقَتْلُ لَا يَسْتَبْقَى أَحَدًا وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ». امام باقر (ع) می‌فرماید: وقتی مهدی ظهور کند، امر، کتاب، روش و داوری جدیدی با خود می‌آورد، تمام رفتار مهدی جدید می‌شود. پس امام زمان

کدام دین را می‌خواهد احیا کند؟ کارش فقط قتل است! کسی را باقی نمی‌گذارد. نویسندگان از همین روایات، کشتار جمعی را استناد کردند که خون تا رکاب می‌آید. روایت دیگر این است: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ الْفُرْسِ إِلَّا السَّيْفُ» امام صادق (ع) فرمود: چون مهدی (عج) خروج فرماید تنها چیزی که میان او و مردم شامل عرب و عجم خواهد بود، شمشیر است. (بحار، ۵۲، ۳۸۹)

در یکی از این منابع روایی آمده است: «يُقْتَلُ فِيهَا الرَّجَالُ وَ تُشَقُّ بَطُونُ الْحَبَالِي» حضرت مردان را می‌کشد و شکم زنان حامله را می‌درزد و کودکان را سر نیزه‌ها بالا می‌برد. این کار به مراتب از کارهای داعش بدتر است. چطور می‌توان این روایات که حتی در منابع متقن ما آمده است را باور کرده و بپذیریم در حالی که که با باورهای اساسی و مستند ما در چالش است. این روایات اگر صحیح‌اعلایی باشند یعنی تمام راویان آن تا معصوم(ع)، عادل و امامی موثق باشند، سنداً قابل پذیرش نیستند؛ زیرا با اساس دین در اختلاف است. این گونه روایات با کتاب خدا در تعارض است و اینها را ما نگفته‌ایم، بلکه به نام ما زده‌اند. این دست روایات در موضوع مهدویت به طور کلی باید پالایش شوند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته